

انتظار ما ایرانیان از فلسفه

هم‌اندیشی روز جهانی فلسفه، به‌همت خانه‌اندیشمندان علوم انسانی و با همکاری کمیسیون ملی یونسکو و مجمع عالی حکمت اسلامی ۲۷ آبان ماه برگزار شد. دکتر غلامرضا اعوانی و دکتر محسن جوادی از جمله سخنرانان این همایش مجازی بودند.

■ **تکریم «حکمت معاد»؛ تحقیر «حکمت معاش»**

دکتر غلامرضا اعوانی، استاد فلسفه و عضو فرهنگستان علوم ایران، فلسفه را به‌معنای دانش اداره زندگی و حکومت تعریف کرد و معتقد است که ایران از کشورهای



نداری است که در حکومت خود «حکمت» داشته است؛ از حکمت نظری گرفته تا حکمت سیاسی و حکمت عملی. و به این اعتبار است که ما ایرانیان از فلسفه انتظارات بیشتری داریم و آن را برای اداره زندگی و حکومت می‌خواهیم. او معتقد است که ما یک فلسفه سنتی حکمت داریم که در جهت «حکمت الهی» رشد کرده است اما از نظر

■ **در آموزش «فلسفه اخلاق» کارنامه قابل قبولی نداریم**

دکتر محسن جوادی، استاد حکمت و فلسفه اسلامی، معتقد است که فلسفه اخلاق در ایران سه مسیر را طی کرده است؛ نخست، از رهگذر ترجمه آثار فلسفی، مانند تاریخ فلسفه فروغی که در دل آن، مباحث مربوط به فلسفه اخلاق نه به‌صورت مستقل که در قالب مباحث فلسفی آمده است. دوم، به تلاش افرادی همچون دکتر آرنای برمی‌گردد که طی آن، فلسفه اخلاق به شکل فلسفه مارکسیستی ورود پیدا می‌کند و انتقاد واکتش‌های مهم و قوی‌ای را در حوزه‌های علمیه برمی‌انگیزد و خود این امر، فرصتی برای پرداختن به مباحث اخلاق می‌شود. سوم، بواسطه آشنایی با آثار نویسندگان عرب بوده است.

به باور جوادی، در آشنایی ما با فلسفه اخلاق، آنانی که خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، زبان انگلیسی می‌دانند و به‌همین دلیل توانسته‌اند، آشنایی خوبی با مباحث فلسفه اخلاق در غرب پیدا کنند نیز تا حدی در ورود مباحث فلسفه اخلاق به ایران و آشنایی جامعه دانشگاهی ما با این حوزه اثرگذار بوده‌اند اما اثرگذارتر از آن، واکتش‌هایی بود که به آن کارها صورت گرفت که به‌عنوان نقاط عطفی در فلسفه اخلاق ما بشمار می‌رود.

او معتقد است که وضعیت آموزش فلسفه اخلاق در فضای دانشگاهی ما چندان قابل قبول نیست و در این زمینه چندان کارنامه رضایت‌بخشی نداریم تا آنجا که بسیاری از دانشگاه‌های معتبر ایران این رشته را در کارشناسی و دکتری

علوم انسانی اسلامی؛ محال‌اندیشی یا دوراندیشی؟

تمام هم و غم ایده علوم انسانی اسلامی، کشف بهتر واقعیت است

گروه اندیشه/ نشست مجازی «علوم انسانی اسلامی؛ محال‌اندیشی یا واقع‌بینی؟» به‌همراه معرفی و نقد کتاب «علم دینی، علم بومی و علم اسلامی؛ محال‌اندیشی یا دوراندیشی» اثر دکتر علی پایا ۲۷ آبان ماه با حضور نویسنده اثر و حجت‌الاسلام احمد حسین شریفی، منتقد این اثر به‌صورت مجازی برگزار شد.



علی پایا در این اثر خود مدعی است که «علوم انسانی اسلامی» امکان‌پذیر نیست و هرگونه سرمایه‌گذاری برای علوم انسانی اسلامی به‌معنای هدر دادن منابع است و این اقدام در مسیر نادرستی خواهد بود. به‌زعم او، به‌علم هر صفتی اضافه شود، آن را از علم بودن ساقط می‌کند و هرچه غیر از واقع‌نمایی به آن اضافه گردد، شأن علم را از بین می‌برد. در علوم انسانی و اجتماعی میزان ورود موضوعات ایدئولوژیک و ارزشی در قیاس با علوم طبیعی به مراتب بیشتر است به‌همین جهت در این علوم، نقادی بسیار سخت‌تر می‌شود.

حجت‌الاسلام احمد حسین شریفی، دبیر علمی کنگره علوم‌انسانی اسلامی که بتازگی سرپرستی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه را نیز عهده‌دار شده است در پاسخ به مباحث مطرح شده توسط دکتر علی پایا و در نقد کتابش چنین عنوان کرد: هرگونه کم‌توجهی به ایده علوم انسانی اسلامی باعث هدر رفتن فضای علمی می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در کشور روی علوم انسانی غربی صورت گرفته که در قیاس با سرمایه‌ای که در دانشگاه ما درباره علوم انسانی اسلامی صورت می‌گیرد به یک دهم هم نمی‌رسد. دکتر پایا علم دینی را علم ایدئولوژیک می‌داند و متعلقات ایدئولوژیک را در سطح جنسیتی می‌بیند و آن را سد راه بسط معرفت در نظر می‌گیرد اما به‌نظر من ایده علوم انسانی اسلامی قرائت‌های متنوعی دارد و کلی صحبت کردن، کار شایسته‌ای نیست. تمام هم و غم ایده علوم انسانی اسلامی، کشف بهتر

حکمت زمینی و حکمت معاش تنزل داشته است. اما فلسفه در غرب مسیر عکس ما را در پیش گرفت؛ بدین معنا که هرچه دارد «حکمت معاش» است و از «حکمت معاد» چندان خبری نیست.

وی در ادامه به چرایی توجه به «حکمت» در ایران پرداخت. به زعم او، دلیل این توجه، تعالیم قرآن است که تمام دین را حکمت و انبیا را آموزنده حکمت می‌داند و خود قرآن، حکمت است و این حکمت هم جهانی است و محدود به ایران هم نیست اما با این حال، هیچ کجا غیر از ایران حکمت اسلامی به این معنا نداریم و ما تنها کشوری هستیم که این سنت را به نسل‌های بعد انتقال داده‌ایم. او معتقد است که در ایران هر کجا که مرکز حکومت بود، مرکز فلسفه هم بوده است؛ تهران هم شهر هزار حکیم بود اما با آمدن دانشگاه، فلسفه و حکمت به انزوا رفت این در حالی است که دانشگاه می‌توانست تنها جایی باشد که بتواند این دو (حکمت و فلسفه جدید) را بهم پیوند بزند، اما این اتفاق نیفتاد. نتوانستیم بین فلسفه جدید و قدیم پیوند بزنیم، این در حالی است که مسائل هم مشترک است و تمام غرب به یونان می‌رسند. نقضی که دانشگاه تهران داشت این بود که در آن فلسفه جدید تدریس نمی‌شد و نهایتاً تا هگل پیش می‌رفتند اما فلسفه یونان، دکارت و کانت کاملاً تدریس می‌شد.

به‌زعم او، ارتباط حکمت و دین یا به تعبیری مسأله عقل و وحی، یکی از دستاوردهای حکمت ما است که از قضا، مورد نیاز جهان امروز نیز هست. البته در فلسفه غرب بتازگی مسأله حکمت و دین مطرح شده است اما چون در حوزه حکمت عقبه نظری ندارند، نتوانسته‌اند در نسبت عقل و وحی به دستاوردهای قابل توجهی دست پیدا کنند تا آنجا که شاید دویست رساله دکتری در مورد کانت نوشته‌اند اما یک کتاب در نقد کانت از دیدگاه حکمت ندارند.



ندارند. از این رو، در حوزه فلسفه اخلاق نیازمند کارهای جدی‌تر هستیم. جوادی اما وضعیت فلسفه اخلاق در حوزه پژوهش را مطلوب‌تر ارزیابی کرد و گفت که پژوهشکده‌های رسمی وابسته به وزارت علوم یا وابسته به نهادهای رسمی، کارهای پژوهشی قابل قبول‌تری را در حوزه فلسفه اخلاق صورت داده‌اند.

وی در پایان تأکید کرد که در حوزه فلسفه اخلاق نیازمند کارهای میان‌رشته‌ای همچون روانشناسی اخلاق یا جامعه‌شناسی اخلاق، عصب‌شناسی و اخلاق، مطالعات اخلاق کاربردی و... هستیم و باید ورود جدی‌تری در این زمینه داشته باشیم.

حکمت زمینی و حکمت معاش تنزل داشته است

واقعیت است. ما مدعی هستیم علوم انسانی اسلامی ابزاری دقیق برای فهم دقیق‌تر در اختیار ما قرار می‌دهد. اغلب آموزه‌های اسلامی به معنای ایدئولوژیک نیستند و سخنان بی‌منطق هم از سوی اسلام پذیرفته نیست. در کتابی که آقای پایا به نگارش درآورده سه تفاوت علوم انسانی و اجتماعی با سایر علوم مطرح شده که شامل تفاوت در موضوعات، پیچیدگی و دووجهی بودن علوم انسانی - اجتماعی می‌شود. چنانچه این تمایزات را در نظر بگیریم ضرورت وجود علوم انسانی اسلامی هم مطرح می‌شود.

پایا، کارآمدی علوم انسانی در ایران را ضعیف در انسان‌شناسی می‌داند اما آیا دین نظری درباره ماهیت



آدمی ندارد یا ما نظریه انسان‌شناسی قرآنی نداریم. پایا معتقد است که علوم‌انسانی اسلامی محال‌اندیشی است، درحالی که اسلام فهمی از انسان ارائه می‌دهد که مورد تأیید همه است و علوم‌ی مانند فلسفه اسلامی و اخلاق اسلامی در همین رابطه هستند. علم دینی متکی بر معرفت‌شناسی قرآنی است. مرزهای مشترک میان علوم‌انسانی موجود و آموزه‌های اسلامی و قرآنی وجود دارند و ما نباید از آنها عقب بنشینیم. ما باید برای کشف حقیقت به‌دنبال تبیین حقایق از قرآن برویم ضمن اینکه برداشت از آن هم باید ضابطه‌مند باشد.

مسئولیت اجتماعی نخبگان در «جهاد تبیین»

رسالت مشترک حوزه و دانشگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا برنکار
دکترای فلسفه غرب و استاد تمام دانشگاه تهران

۱ پرسشی که این روزها، ما به‌عنوان استاد دانشگاه، با آن بسیار مواجه می‌شویم، این است که اساساً «جهاد تبیین و روشنگری» از چه ضرورتی برخوردار است؟ واقعیت این است که جبهه استکبار با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، پیوسته می‌کوشد تا فرهنگ ما را مورد تهاجم قرار دهد. این در حالی است که دین و فرهنگ، پاشنه آشیل هر جامعه است؛ جامعه‌ای که از زاویه فرهنگی آسیب می‌بیند، مبنا و اصالت خود را از دست خواهد داد، دچار بحران معنا شده و به راحتی تحت‌تأثیر القانات بیرونی قرار می‌گیرد. از این رو، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی سال ۱۴۰۰ خطاب به جوانان و دانشجویان تأکید کردند: «به مسأله «تبیین» اهمیت بدهید... می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید.» (۱۴۰۰/۷/۵).

۲ جهاد تبیین و روشنگری یک ضرورت است. علمیه به‌عنوان یکی از نهاد های تبیین‌کننده، برجسته می‌شود. در جریان آموزش حوزوی، عده‌ای از طلبه‌ها مهاجرت می‌کنند و در زمینه دینی آموزش‌های لازم را می‌بینند و بعد به سمت قوم، شهر و کشورشان برمی‌گردند و دین را تبلیغ می‌کنند. بنابراین، منظور از تبلیغ دین، تبیین معارف و احکام دین و همچنین پاسخ به شبهات و اشکالات دینی است. لذا، روند و رویکردی را که در حوزه‌های علمیه حاکم است می‌توان در راستای دغدغه رهبر معظم انقلاب پیرامون عملیاتی کردن جهاد تبیین و روشنگری دید.

۳ وقتی از «جهاد تبیین» سخن به میان می‌آید حوزه علمیه به‌عنوان یکی از نهاد های تبیین‌کننده، برجسته می‌شود. در جریان آموزش حوزوی، عده‌ای از طلبه‌ها مهاجرت می‌کنند و در زمینه دینی آموزش‌های لازم را می‌بینند و بعد به سمت قوم، شهر و کشورشان برمی‌گردند و دین را تبلیغ می‌کنند. بنابراین، منظور از تبلیغ دین، تبیین معارف و احکام دین و همچنین پاسخ به شبهات و اشکالات دینی است. لذا، روند و رویکردی را که در حوزه‌های علمیه حاکم است می‌توان در راستای دغدغه رهبر معظم انقلاب پیرامون عملیاتی کردن جهاد تبیین و روشنگری دید.

اما در کنار حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها نیز از دیگر نهادهایی هستند که نقش آن در پیشبرد جهاد تبیین برجسته است. واقعیت این است که وظیفه علمی یک استاد دانشگاه حکم می‌کند آنچه را «حقیقت» می‌داند، به جامعه و دانشجویانش منتقل کند. استادان دانشگاه و استادان حوزه در واقع نخبگان و خواص یک جامعه محسوب می‌شوند و مردم در موضع‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به این قشر از جامعه نظر دارند. از این رو، مسئولیت اجتماعی یک شخص حوزوی یا دانشگاهی حکم می‌کند «حق» را تبیین کرده و از زاویه تخصص‌اش از حق، مردم، کشور، دین و فرهنگش دفاع کند.

بنابراین «تبیین» اساساً فعالیت علمی است و متولی علم در کشور ما، دو نهاد حوزه و دانشگاه هستند؛ بدین معنا که اهالی علم در جامعه ما یا به حوزه یا به دانشگاه یا به هر دو این نهادها تعلق دارند. بنابراین، جهاد تبیین از رسالت‌های مشترک بین حوزه و دانشگاه است. البته عموم مردم هم در درجه بعد به اندازه آگاهی‌هایشان در این راه مسئولیت دارند. استادان دانشگاه و استادان حوزه در واقع نخبگان و خواص یک جامعه محسوب می‌شوند و مردم در موضع‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به این قشر از جامعه نظر دارند. از این رو، مسئولیت اجتماعی یک شخص حوزوی یا دانشگاهی حکم می‌کند «حق» را تبیین کرده و از زاویه تخصص‌اش از حق، مردم، کشور، دین و فرهنگش دفاع کند.

بنابراین «تبیین» اساساً فعالیت علمی است و متولی علم در کشور ما، دو نهاد حوزه و دانشگاه هستند؛ بدین معنا که اهالی علم در جامعه ما یا به حوزه یا به دانشگاه یا به هر دو این نهادها تعلق دارند. بنابراین، جهاد تبیین از رسالت‌های مشترک بین حوزه و دانشگاه است. البته عموم مردم هم در درجه بعد به اندازه آگاهی‌هایشان در این راه مسئولیت دارند. استادان دانشگاه و استادان حوزه در واقع نخبگان و خواص یک جامعه محسوب می‌شوند و مردم در موضع‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به این قشر از جامعه نظر دارند. از این رو، مسئولیت اجتماعی یک شخص حوزوی یا دانشگاهی حکم می‌کند «حق» را تبیین کرده و از زاویه تخصص‌اش از حق، مردم، کشور، دین و فرهنگش دفاع کند.

«یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است... در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود؛ چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همینی که حالا امروز به آن جنگ روانی می‌گویند... شبهه‌افکنی می‌کردند، سوءظن را وارد می‌کردند... این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود... از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی می‌رفت و همین‌طور این گروه‌هایی که - به تعبیر امروز، گردان‌ها یا تیپ‌های جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام می‌رسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبلغی برای آنها صحبت می‌کرد؛ حقایقی را برای آنها



۴ جهاد تبیین در وهله نخست باید فکرو اعتقاد را هدف بگیرد، وقتی فکر دچار شبهه شده و به تعبیری متزلزل شود، جامعه آسیب‌پذیر خواهد شد. از این رو، در حوزه جهاد تبیین، هدف نخست باید تقویت بنیه اعتقادی باشد؛ اعتقاد نباشد، عمل و اخلاق هم از دست می‌رود. اگر پایه‌های اعتقادی یک ملت قوی باشد، زخم‌ها و حمله‌ها کمتر اثرگذار خواهد شد.

۵ «تبیین حق» و «پاسخ به شبهات» مسئولیت امروز اهالی فکرو نخبگان است البته این مسئولیت تنها بر قشر نخبه نیست و همه افراد جامعه به میزان بضاعت علمی و ابزاری که دارند باید در برابر این تهاجم وارد عمل شوند.

روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت... صحبت می‌کرد، تبیین می‌کرد.» (۱۳۸۸/۵/۵)
۴ چرا رهبر معظم انقلاب در بحث «تبیین» از واژه «جهاد» استفاده می‌کنند؟ امکانات، نیروها و ابزار ما برای مقابله با هجوم دنیای استکبار، کافی نیست از این رو، رهبر معظم انقلاب واژه «جهاد» را به کار می‌برد چرا که جهاد به معنای نهایت تلاش است، یعنی نیروهای متدین و آنان که حس مسئولیت اجتماعی دارند، باید نهایت تلاش خود را در

زمینه تبیین و روشنگری از حقانیت مواضع جمهوری اسلامی داشته باشند، تا با این کوشش مضاعف نابرابری امکانات جبران شود، همان‌طور که در هشت سال دفاع مقدس همین اتفاق افتاد. برخی افراد اساساً این تهاجم را درک نمی‌کنند و همین امر منجر به ناآگاهی برخی در خصوص مواضع اسلامی و دینی شده است و متأسفانه ناآگاهی از این داشته‌ها، زمینه را بیش از پیش برای نفوذ فرهنگی دشمن فراهم می‌کند.

این وضعیت، یک تلاش مضاعف و جهادی را می‌طلبد چرا که در غیر این صورت نمی‌توان در برابر تهاجم‌ها ایستاد و به این حجم وسیع حملات پاسخ داد. «تبیین حق» و «پاسخ به شبهات» مسئولیت امروز اهالی فکر و نخبگان است البته این مسئولیت تنها بر قشر نخبه نیست و همه افراد جامعه به میزان بضاعت علمی و ابزاری که دارند باید در برابر این تهاجم وارد عمل شوند. از آنجا که در جریان این تهاجم‌ها از همه ابزارها اعم از تلویزیون، رادیو، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های اجتماعی، هنر، شعر، جنگ روانی و... استفاده می‌شود، طبیعتاً برآی مقابله باید از همه ابزارها استفاده کرد. بخصوص استفاده از ابزارهای فضای مجازی ضروری است؛ چرا که بیشترین تهاجم‌ها از این ناحیه صورت می‌گیرد و از آنجا به کلاس‌های درس، محافل و حتی خانواده‌ها وارد می‌شود.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب تصویری از توطئه «محاصره تبلیغاتی» را ارائه کردند: «آنگون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌های هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.» (۹۷/۱۱/۲۲)

۵ دشمن دو هدف را در جنگ نرم دنبال می‌کند: یکی است که این زنجیره توافقی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد.» (۱۳۹۹/۱۲/۲۱)
در کنار ضرورت آگاهی از ابزار لازم برای جهاد تبیین، نکته دیگری که در این حوزه مطرح می‌شود، این است که در کدام حوزه اهتمام به جهاد تبیین اولویت بیشتری دارد؟

واقعیت این است که فرهنگ یک جامعه دارای ابعاد مختلفی است و این ابعاد هم در همدیگر تأثیر دارند، به گونه‌ای که اگر یکی از این ابعاد ضعیف شود، دیگر قسمت‌ها نیز ضعیف خواهد شد. همه این ابعاد نیازمند تبیین است، باید ببینیم کدام قسمت بیشتر مورد تهاجم است، اینکه رهبر معظم انقلاب در نامگذاری سال‌ها همواره بر مسائل اقتصادی تأکید دارند، نشان می‌دهد که تحریم مسأله اصلی جبهه مخالف ما است و در پی آن هستند تا از منظری اقتصادی به کشور و نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند.

البته جهاد تبیین را نباید به یک محور خاص محدود کرد و ما در همه محورها باید ورود کنیم اما با توجه به همه‌هایی که صورت می‌گیرد، ابعاد مورد حمله، باید در اولویت تبیین و روشنگری قرار گیرد. واقعیت این است که جهاد تبیین در وهله نخست باید فکر و اعتقاد را هدف بگیرد، وقتی فکر دچار شبهه شده و به تعبیری متزلزل شود، جامعه آسیب‌پذیر خواهد شد. از این رو، در حوزه جهاد تبیین، هدف نخست باید تقویت بنیه اعتقادی باشد، اعتقاد نباشد، عمل و اخلاق هم از دست می‌رود. اگر پایه‌های اعتقادی یک ملت قوی باشد، زخم‌ها و حمله‌ها کمتر اثرگذار خواهد شد.